

طراحی سناریوی سرقت مرگبار در کمپ ترک اعتیاد

رازگشایی از قتل شاگرد صرافی، خاطره یکی از کارآگاهان پلیس آگاهی است.
در این جنایت سارقان با شلیک گلوله پسر جوان را به قتل رساندند

یکی از پرونده‌هایی که هرگز نتوانستم آن را فراموش کنم سرقت مسلحانه از صرافی و به دنبال آن مرگ شاگرد صرافی بود. در سال‌هایی که کار کردم به پرونده‌های زیادی رسیدگی کرده‌ام و هر کدام از آنها حادثه‌ای تلخ بودند. در این پرونده، مقتول تنها پسر خانواده بود و من تصویر پدر و مادر قربانی را که برای پیگیری پرونده قتل پسرشان می‌آمدند، نمی‌توانم فراموش کنم.

ماجرای برمی‌گردد به مهر سال ۹۱، گزارش شد از یک صرافی در مرکز شهر سرقت مسلحانه شده است. ساعت اعلام گزارش ۲/۳۰ بعد از ظهر و درست در زمان شلوغی و تعطیلی ادارات بود. با اعلام این خبر همراه گروه ویژه بررسی صحنه جرم راهی محل شدیم، البته باتوجه به ترافیک و مرکز بودن محل سرقت، زمانی طول کشید تا به آنجا برسیم.

پوکه‌هایی در صحنه

با ورود به محل، در بررسی‌های اولیه مشخص شد سارقان در حالی که صورت‌هایشان را با ماسک پوشانده بودند، وارد صرافی می‌شوند. آنها اسلحه را به سمت شاگرد صرافی می‌گیرند و با تهدید از او می‌خواهند در گاوصندوق را باز کند؛ اما با مقاومت پسر جوان مواجه می‌شوند و همین مساله باعث شده بود آنها به سمت شاگرد صرافی تیراندازی کنند. پسر جوان با شلیک گلوله زخمی می‌شود و همین موضوع مرگ او را رقم می‌زند.

سارقان تیرهای زیادی شلیک کرده بودند و ماموران تشخیص هویت پوکه‌ها را جمع‌آوری کرده و به آزمایشگاه پلیس ارسال کردند. دزدان مقدار زیادی دلار و پول از گاوصندوق سرقت کرده و سوار بر موتورسیکلت‌هایی که با آن به محل سرقت آمده بودند، آنجا را ترک کردند.

نقطه‌کور

همان‌طور که گفتیم، سرقت در مرکز شهر رخ داده بود و یک بانک در مقابل صرافی و بانکی هم در کنار صرافی قرار داشت. سراغ دوربین‌های مدار بسته بانک‌ها رفته و به بازبینی آنها پرداختیم. دوربین‌های محل فرار موتورسواران را گرفته

بودند. ما با بازبینی تمام دوربین‌های حوالی موفق شدیم مسیر فرار موتورسواران را به دست آوریم اما در یک منطقه، دوربین وجود نداشت و ما به نقطه کور رسیدیم. به بازبینی دوربین‌های بعدی آن منطقه پرداختیم اما هیچ فیلمی از سارقان به دست نیاوردیم. ما سارقان را در منطقه‌ای که نقطه کور بود از دست دادیم و همین مساله نشان می‌داد مخفیگاه متهمان در آن منطقه است. اما کدام خانه را نمی‌دانستیم.

۵ ماه تحقیق

به صورت گسترده ۵ ماه روی این پرونده کار کردیم، آن منطقه‌ای را که نقطه کور داشت، زیر نظر گرفتیم و با کمک کارهای اطلاعاتی در نهایت موفق شدیم یکی از متهمان را که ساکن همان منطقه بود، شناسایی و دستگیر کنیم. سیاهوش، سارق جوان گرچه در تحقیقات اولیه منکر سرقت بود اما در مواجهه با مدارک و شواهدی که ما ارائه کردیم، لب به اعتراف گشود.

او برایمان تعریف کرد: هر سه ما اعتیاد به مواد مخدر داشتیم و برای ترک مواد به کمپ ترک اعتیاد رفته بودیم. روزها و شب‌های کمپ و بیکاری در آنجا باعث شد کم‌کم باهم دوست شویم. نقطه اشتراک ما غیر از اعتیاد بی پولی، توهم یک‌شنبه پولدار شدن بود. همین مساله هم باعث شد باهم نقشه سرقت را طراحی کنیم.

۱۵ روز مراقبت

متهم دستگیر شده در ادامه تحقیقات به ما گفت: تصمیم گرفتیم از صرافی سرقت کنیم تا یک‌شنبه پولدار شویم. با پولی که از سرقت صرافی به دست می‌آوریم می‌توانستیم تا آخر عمر در رفاه و آرامش زندگی کنیم و مدام در تفریح باشیم. از طرفی دیگر نیاز نبود برای تهیه هزینه مواد مخدر به هر کسی رو بپردازیم. نشانی صرافی را یکی از همدستانم می‌دانست و ما هم شب‌ها تا صبح باهم نقشه سرقت را مرور می‌کردیم. ۱۵ روز در کمپ بودیم و در این مدت، نقشه‌ای حرفه‌ای برای سرقت از صرافی طراحی و برنامه‌ریزی کردیم اما قصدمان کشتن نبود. به قتل فکر نکرده بودیم و این موضوع را مد نظر نداشتیم.

بعد از خلاصی از کمپ ترک اعتیاد، ۱۵ روز به صورت نامحسوس صرافی را زیر نظر گرفتیم. ساعت رفت و آمدهای مرد صراف و شاگردانش را به دست آوردیم. در تحقیقاتی که انجام دادیم متوجه شدیم بعضی از ساعات شاگرد صراف تنهاست و این بهترین زمان برای اجرای نقشه سرقت مان بود. از طرفی ساعتی که ما برای سرقت انتخاب کرده بودیم، زمان شلوغی شهر بود. حساب کرده بودیم باتوجه به شلوغی، تا گزارش این سرقت به پلیس برسد و آنها برای دستگیری وارد عمل شوند، زمان بیشتری می‌خواهند به همین دلیل ما راحت تر می‌توانیم پس از سرقت متواری شویم.

ما قصدمان قتل شاگرد صرافی نبود اما مقاومت کرد و ما هم مجبور شدیم دست به سلاح شویم. زمانی هم که از ماجرای قتل با خبر شدیم، ناراحت شدیم.

مواجهه حضوری

با دستگیری اولین عضو این باند، هویت دو همدست دیگر برملا شد. هویت‌هایی که باعث شده‌اند نشانی محل زندگی آنها را به دست آوریم و پس از هماهنگی‌های لازم راهی مخفیگاه دو متهم دیگر شویم. متهمان در عملیاتی ویژه و غافلگیرانه دستگیر و به اداره آگاهی منتقل شدند.

اما سارقان منکر سرقت بودند و ادعا می‌کردند هیچ مدرک و شاهی نداریم که بتواند علیه آنها استفاده کنیم چرا که سرقتی مرتکب نشده‌اند. گرچه دو متهم دیگر این پرونده چنین ادعایی داشتند اما زمانی که با همدست دستگیر شده‌شان مواجه شدند، به سرقت مرگبار اعتراف کردند. آنها هم مانند اولین متهم پرونده لب به اعتراف گشودند که در کمپ باهم آشنا شده و نقشه سرقت را طراحی و اجرا کرده‌اند.

اجرای حکم

با اعتراف سه عضو باند سرقت مسلحانه صرافی، آنها به بازسازی صحنه سرقت و جنایت پرداختند. پرونده متهمان پس از تکمیل به دادگاه کیفری ارسال شد. آنها در دادگاه به قصاص محکوم شدند و مدتی بعد حکم‌شان اجرا شد. با این‌که سال‌ها از آن حادثه تلخ گذشته هنوز فراموش نشده است.



عکس تزئینی است



خاطره جنایی



دزدان برای یک‌شنبه

پولدار شدن به مغازه

طلافروشی دستبرد

زدند اما در جریان اجرای

نقشه خود، مرتکب

قتل شاگرد مغازه

طلافروشی شدند



برگ سبز خودرو سواری پیکان مدل ۱۳۸۳ به رنگ سفید - روغنی به شماره پلاک ۱۷۵ اس ۲۶ / بران ۴۵ به شماره موتور 11283097904 و شماره شاسی 83472606 به نام سید عطاله افزلی گروه با کد ملی ۴۸۲۹۹۰۴۴۱۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت سبز موتور سیکلت توریست مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۹۵۵۵۹-۸۱۲ به رنگ نقره‌ای به شماره موتور 161FMJ2004522 و شماره شاسی N2D***160P9060052 به نام محمد علی نیک‌بخت راینی با کد ملی ۳۰۳۱۳۱۵۸۷۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مدرک گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجانب ساسان حمیدی شیخانی فرزند علی به شماره شناسنامه ۳۳۷۰ و کد ملی ۲۵۹۵۸۷۱۹۳۵ صادره از رشت در مقطع کارشناسی ناپیوسته در رشته مهندسی تکنولوژی تأسیسات حرارتی و برودتی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرانزلی به شماره ۱۷-۱۴-۱/۱۴۱۳۳ تاریخ ۹۳/۱۱/۱۳ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز موتور سیکلت پیشرو cc150 مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک ۶۹۸۵۳-۶۴۱ به رنگ مشکی به شماره موتور 935441 به شماره شاسی 9402832 به نام علی اکبر دهقان کریم‌آباد با کد ملی ۴۴۷۰۰۱۰۲۳۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.